

جامعه المظفی العالمیه

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

# ادله اثبات دعوی در حقوق مدنی از دیدگاه فقه و حقوق افغانستان

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد  
در رشته فقه و معارف اسلامی

گرایش: فقه و اصول

استاد راهنما: حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی محامد

استاد مشاور: حجت الاسلام والمسلمین جواد فخار طوسی

نگارش: محمد حسین مظفری

سال ۱۳۸۲



### اهداء

تقديم به بزرگ پرچمدار قسط و عدل مولای متقيان، قبله آمال عارفان، امام علی(ع) و به قاضيان پرهيزگار و خدا ترس و پاکدامنی که تنها حق و عدالت، محور داوری آنها است و به پدر بزرگوارم که مرا با کتاب آشنا و الفبای معرفت را به من آموخت.

و به مادرم که با غروب ناگهانی خود در شب عاشورای حسینی، ما را در غم و اندوه هميشگی فرو برد. روحش شاد و يادش گرامی باد.



## تقدیر و تشکر

اکنون که با عنایت و الطاف الهی و کمک اساتید بزرگوار و ارجمند، تهیه و تدوین این نوشتار به پایان رسیده است، از باب: «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق»، بر خود فرض می‌دانم که از استاد محترم راهنما حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای علی محامد و استاد محترم مشاور حضرت حجت الاسلام آقای جواد فخار طوسی که با راهنمایی‌ها و ارشادات مفید و ارزنده و همکاری‌های مشفقانه، مسیر این تحقیق را هموار ساختند، صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم

همچنین وظیفه خود می‌دانم که از ریاست و مدیریت محترم جامعه المصطفی العالمیه و مدیریت محترم مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی و واحد پایان نامه مدرسه و بقیه مسئولین و اساتید بزرگوار که در طول تحصیل از فیض وجودشان بهره بردم، تشکر و سپاسگزاری نمایم



## چکیده

رساله حاضر تحت عنوان: «ادله اثبات دعوی از دیدگاه فقه و حقوق افغانستان»، ضمن طرح تحقیق، ادله فقهی چون: اقرار، بینه، قسم و علم قاضی طی پنج فصل تدوین و تنظیم گردیده است. در فصل اول که شامل سه گفتار می‌شود، ابتداء در گفتار اول به شرح مفاهیم واژه‌هایی چون: ادله، اثبات و دعوی از نظر لغوی و اصطلاحی پرداخته‌ام و سپس در گفتار دوم تشخیص مدعی و منکر از دیدگاه فقهاء در طی چهار تعریف مورد بررسی قرار گرفته است:

۱- مدعی کسی است که هرگاه ترک خصومت کند، دیگر کس به او کاری نداشته باشد و اگر ساکت شود و مخاصمه ننماید، با وی مخاصمه نکنند.

۲- مدعی کسی است که گفتارش خلاف اصل باشد.

۳- مدعی آن است که بر خلاف ظاهر، دعوی نماید.

بر حسب تعاریف سه‌گانه فوق، مدعی علیه کسی است که مقابل مدعی و بر خلاف وی باشد. در گفتار سوم شرایط استماع دعوی را مورد بررسی قرار دادم که اگر کسی دعوی را طرح می‌کند باید اهلیت اقامه دعوی را داشته باشد.

در فصل دوم بحث اقرار را در طی چهار گفتار مورد بحث قرار دادم.

در گفتار اول به تعریف و ماهیت اقرار، در گفتار دوم به دلایل نفوذ و اعتبار آن و در گفتار سوم به شرایط صحت اقرار پرداخته‌ام و در نهایت در گفتار چهارم، اقرار در حقوق افغانستان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

حاصل اینکه اقرار از دیدگاه فقه به عنوان یک حجت شرعی برای اثبات دعوی و سید ادله از نگاه حقوقی در تمام نظامهای حقوقی دنیا مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا مدعی‌علیه با اقرار خود، مدعی را از اقامه دلیل معاف داشته و به دعوی خاتمه می‌دهد.

در فصل سوم به بررسی و تحقیق پیرامون بینه پرداخته‌ام که در طی چهار گفتار، مباحث زیر مورد بررسی قرار گرفته است: در گفتار اول، تعریف بینه و شهادت و دلایل اعتبار و نفوذ آن را بررسی نمودم.

در گفتار دوم به بررسی شرایط شاهد و شهادت پرداخته شده که در این مورد به شرایط شاهد مثل: بلوغ، عقل، ایمان، عدالت و مورد تهمت نبودن و نیز به بعضی از مصادیق تهمت اشاره شده است.

در گفتار سوم، شهادت بر شهادت و ادله حجیت و اعتبار آن مورد بررسی قرار گرفته است.

در گفتار چهارم، شهادت در حقوق افغانستان را با استفاده از قانون مدنی و قانون اصول محاکمات مورد بررسی قرار داده‌ام و به این نتیجه منتهی شد که بحث شهادت در حقوق افغانستان به خوبی تبیین

نشده است و با اشکالات زیادی همراه بوده و چه بسا با منابع فقهی شیعه و سنی تنافی دارد.

در فصل چهارم، قسم به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی مورد مطالعه قرار گرفته که در طی چهار گفتار به مباحثی چون: تعریف و ماهیت قسم، فروض ادای سوگند، به بحث گذاشته شده است.

در گفتار چهارم قسم را در حقوق افغانستان بررسی نموده‌ام.

قسم به مقتضای اصل: «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر»، وظیفه اصلی منکر بوده، همانطور که اقامه بینه وظیفه اصلی مدعی است.

حکم سوگند قطع و فصل خصومت دائمی است، نه برائت ذمه حالف؛ یعنی پس از سوگند، مدعی نمی‌تواند مدعی به را مطالبه نموده و یا اینکه در دادگاه اقامه دعوی نماید.

در فصل پنجم علم قاضی به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی طرح گردیده است که در طی سه گفتار، مباحث زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

در گفتار اول به تعریف علم و انواع آن پرداخته‌ام و اقوال علماء راجع به حجیت علم قاضی مورد بررسی قرار گرفته است. در گفتار دوم ادله قائلین به حجیت علم قاضی بیان شده و در گفتار سوم، ادله قائلین به عدم حجیت علم قاضی مورد تحقیق و بررسی قرار داده‌ام.

نتیجه این شد که علم قاضی از نظر اکثریت فقهاء حجت بوده و حاکم شرع در همه حقوق اعم از حق الله و حق الناس می‌تواند به استناد علم خود حکم قضایی صادر کند، حتی علم قاضی از سایر ادله اثبات دعوی رجحان دارد.

در خاتمه، از کل مباحث مطرح شده، جمع بندی و نتیجه گیری صورت گرفته است.

## فهرست مطالب

اهداء	.....
تقدیر و تشکر	.....
چکیده	.....
فهرست مطالب	.....

## طرح تحقیق

طرح تحقیق	.....
۱- بیان مسئله	.....
۲- سؤال اصلی	.....
۳- سؤالهای فرعی	.....
۴- سابقه و ضرورت انجام تحقیق	.....
۵- فرضیههای تحقیق	.....
۶- اهداف تحقیق	.....
۷- جنبه جدید بودن و نو آوری تحقیق	.....
۸- روش تحقیق	.....
۹- روش و ابزار گرد آوری اطلاعات	.....
۱۰- قلمرو تحقیق	.....
۱۱- واژگان کلیدی	.....
مقدمه	.....

## فصل اول: مفاهیم و کلیات

گفتار اول: مفاهیم	.....
۱- مفهوم ادله	.....
۱-۱- معنای لغوی ادله	.....
۱-۲- معنای اصطلاحی ادله	.....
تفاوت دلیل قضایی با دلیل علمی و تاریخی	.....
تفاوت دلیل اخلاقی و دلیل قانونی	.....
اهمیت دلیل	.....
۲- مفهوم اثبات	.....

۱۶	۲-۱- مفهوم لغوی اثبات
۱۷	۲-۲- اثبات در اصطلاح فقهی
۱۸	۲-۳- اثبات در اصطلاح حقوقی
۲۰	۳- مفهوم دعوی
۲۰	۳-۱- مفهوم لغوی دعوی
۲۰	۳-۲- دعوی در اصطلاح فقهی
۲۱	۳-۳- دعوی در اصطلاح حقوقی
۲۲	تعریف ادله اثبات دعوی در حقوق افغانستان
۲۲	ارکان حقوقی دعوی
۲۳	تفاوت دعوی مدنی و جزایی
۲۵	<b>گفتار دوم: تشخیص مدعی و منکر</b>
۲۵	تعریف اول
۲۵	تعریف دوم
۲۶	تعریف سوم
۲۶	موارد اختلاف
۲۷	تعریف چهارم
۲۸	تشخیص مدعی و منکر از نظر اهل سنت
۳۰	<b>گفتار سوم: شرایط استماع دعوی</b>
۳۰	شرط اول: اهلیت مدعی
۳۰	دلایل اعتبار اهلیت مدعی
۳۲	شرط دوم: رشد مدعی
۳۲	شرط سوم: تعلق داشتن دعوی مدعی به خود وی
۳۳	شرط چهارم: صحیح و ممکن بودن مدعیه (خواسته)
۳۴	شرط پنجم: الزام آور بودن دعوی به حسب شرع
۳۶	شرط ششم: جازم و قاطع بودن مدعی
۳۶	اقوال در مسئله
۴۳	شرط هفتم: معلوم بودن مدعیه
۴۴	دلیل قائلین به معلوم بودن مدعیه

قائلین به قابل استماع بودن دعوی مجهول.....	۴۵
ادله قائلین به قابل استماع بودن دعوی مجهول.....	۴۷
شرط هشتم: وجود منازعه و مخاصمه بین طرفین دعوی.....	۴۸
شرط نهم: تعیین مدعیعلیه.....	۴۸
شرایط استماع دعوی در بعضی کتب اهل سنت.....	۴۹

## فصل دوم: اقرار

گفتار اول: تعریف اقرار از لحاظ لغوی و اصطلاحی.....	۵۳
۱- تعریف لغوی اقرار.....	۵۳
۲- تعریف اصطلاحی اقرار.....	۵۴
۱-۲- تعریف اقرار از دیدگاه فقهاء شیعه.....	۵۴
۲-۲- تعریف اقرار از دیدگاه فقهاء اهل سنت.....	۵۵
۳-۲- تعریف اقرار در اصطلاح حقوقی.....	۵۶
عناصر کلی به کار رفته در تعریف اقرار.....	۵۷
۱- اخبار.....	۵۷
۲- ارتباط به حق.....	۵۷
۳- نفع غیر.....	۵۸
۴- به ضرر خود بودن.....	۵۸
اقسام اقرار.....	۵۹
گفتار دوم: دلایل نفوذ و اعتبار اقرار.....	۶۲
ادله فقهاء بر حجیت اقرار.....	۶۲
۱- کتاب.....	۶۲
۲- روایات.....	۶۵
۳- عقل.....	۶۹
۴- سیره عقلاء و اجماع.....	۶۹
گفتار سوم: شرایط صحت اقرار به حسب ارکان آن.....	۷۱
۱- شرایط مقرر.....	۷۱
۱-۱- بلوغ.....	۷۲
۱-۲- عقل.....	۷۲



۷۳	۱-۳-۱- قصد
۷۴	۱-۴-۱- اختیار
۷۴	۱-۵-۱- رشد (عدم سفه)
۷۶	۱-۶-۱- عدم افلاس (عدم ورشکستگی)
۷۷	۲- مقررله
۷۷	شرایط مقررله
۸۱	۳- مقربه
۸۱	شرایط مقربه
۸۶	<b>گفتار چهارم: اقرار در حقوق افغانستان</b>
۸۶	۱- ارکان تعریف در حقوق افغانستان
۸۷	بررسی قیود به کار رفته در دو تعریف
۸۹	۲- شرایط اقرار کننده در قانون مدنی افغانستان
۸۹	۲-۱- شرط بلوغ
۹۰	۲-۲- شرط عقل
۹۰	۲-۳- غیر محجور علیه (عدم سفاهت)
۹۱	۲-۴- عدم تکذیب مقررله
۹۲	۲-۵- منجز بودن بودن اقرار
۹۳	۳- ویژگی های اقرار
۹۳	۳-۱- الزام آور بودن اقرار
۹۳	۳-۲- انکار ناپذیری اقرار
۹۳	۳-۳- حجت قاصره بودن اقرار
۹۴	۳-۴- تجزیه ناپذیری اقرار

### **فصل سوم: بینه (شهادت)**

۹۶	مقدمه
۹۶	قاعده بینه
۹۶	۱- پیشینه تحقیق
۹۷	۲- مدرک و مستندات قاعده
۹۹	<b>گفتار اول: تعریف بینه</b>

۹۹	۱- بیئنه در لغت
۱۰۰	۲- بیئنه در اصطلاح
۱۰۲	۳- مراد از بیئنه
۱۰۳	۴- تعریف شهادت
۱۰۴	۱- شهادت در لغت
۱۰۴	۲- شهادت در اصطلاح
۱۰۵	دلایل نفوذ و اعتبار بیئنه
۱۰۹	وجود علم در شهادت
۱۱۱	مستند علم در شهادت
۱۱۳	<b>گفتار دوم: شرایط شاهد</b>
۱۱۳	۱- بلوغ
۱۱۵	دلایل عدم اعتبار شهادت اطفال
۱۱۶	۲- عقل
۱۱۷	۳- ایمان
۱۱۷	۳-۱- شهادت کفار
۱۱۹	۳-۲- شهادت مسلمان غیر مؤمن
۱۲۱	۴- عدالت
۱۲۱	۴-۱- آیات
۱۲۲	۴-۲- روایات
۱۲۵	۵- حلال زاده بودن (طهارت مولد)
۱۲۶	دلیل مشهور بر عدم قبول شهادت ولد زنا
۱۲۷	۶- انتفای تهمت در شاهد
۱۲۷	۶-۱- موارد جلب منفعت
۱۳۰	۶-۲- موارد دفع ضرر به وسیله شهادت
۱۳۱	۶-۳- موارد اجتماع جلب منفعت و دفع ضرر
۱۳۷	<b>گفتار سوم: شهادت بر شهادت</b>
۱۳۷	ادله حجیت و اعتبار شهادت بر شهادت
۱۳۷	۱- کتاب

۱۳۷	..... سنت	۲-
۱۳۸	..... اجماع	۳-
۱۳۸	..... قلمرو شهادت بر شهادت	
۱۴۱	..... شرایط پذیرش شهادت فرع(شهادت بر شهادت)	
۱۴۶	..... شهادت در حقوق افغانستان	
۱۴۹	..... احضار شهود	
۱۴۹	..... تحقیق از شهود	
۱۵۰	..... ارزیابی	

### فصل چهارم: قسم(سوگند)

۱۵۲	..... گفتار اول: تعریف و بررسی فروض ادای قسم و دلایل اعتبار آن	
۱۵۲	..... ۱- قسم در لغت	
۱۵۳	..... ۲- قسم در اصطلاح	
۱۵۳	..... ۳- تعریف قسم در حقوق	
۱۵۵	..... اقسام سوگند(قسم)	
۱۵۷	..... فروض ادای سوگند	
۱۵۷	..... ۱- ادای سوگند توسط مدعی علیه	
۱۶۰	..... ۲- ردّ سوگند به مدعی	
۱۶۱	..... ۳- نکول مدعی علیه	
۱۶۵	..... دلایل اعتبار و نفوذ قسم	
۱۶۶	..... ۱- آیات	
۱۶۶	..... ۲- روایات	
۱۶۷	..... ۳- اجماع	
۱۶۸	..... ۴- سیره عقلاء	
۱۶۹	..... گفتار دوم: شرایط یاد کننده قسم	
۱۶۹	..... ۱- اهلیت(بالغ، عاقل، قاصد و مختار)	
۱۷۰	..... ۲- آگاهی و جزم به موضوع دعوی	
۱۷۲	..... ۳- موافقت قسم با مورد ادعاء	
۱۷۳	..... ۴- شرط اصیل بودن در سوگند	

- ۵- مورد حلف ..... ۱۷۴
- ۶- درخواست قسم توسط مدعی و دستور حاکم بر قسم ..... ۱۷۵
- گفتار سوم: کیفیت اتیان قسم ..... ۱۷۷
- ۱- قسم به اسماء مختصه به خداوند ..... ۱۷۷
- ۲- قسم به اسماء مشترک منصرف به خداوند ..... ۱۷۸
- ۳- قسم به اسماء مشترک غیر منصرف به خداوند ..... ۱۷۸
- سوگند به غیر خداوند ..... ۱۷۸
- لزوم یا عدم لزوم مسلمان بودن حالف ..... ۱۷۹
- امور مستحب برای دادرس در تحلیف ..... ۱۸۲
- ۱- استحباب تغلیظ در قسم ..... ۱۸۲
- ۲- استحباب وعظ توسط حاکم ..... ۱۸۳
- گفتار چهارم: سوگند در حقوق افغانستان ..... ۱۸۴
- شرایط قسم ..... ۱۸۴
- ۱- عجز مدعی از اثبات دعوی به وسیله بینه ..... ۱۸۴
- ۲- اذن حاکم دادگاه نسبت به اتیان سوگند ..... ۱۸۵
- ۳- محل سوگند ..... ۱۸۵
- ۴- تعلق قسم به شخص مدعی علیه ..... ۱۸۶
- ۵- قسم نفی علم ..... ۱۸۶
- ۶- صیغه سوگند ..... ۱۸۷
- مسائل متعلقه به قسم ..... ۱۸۷
- ۱- عمومیت قسم در تمام منازعات مدنی ..... ۱۸۸
- ۲- طلب‌های متعدد از مدعی علیه ..... ۱۸۸
- ۳- رجوع از قسم پس از رد آن ..... ۱۸۸
- ۴- نکول سوگند ..... ۱۸۹
- ۵- ادعای دفع و یا تأدیه حق از طرف مدعی علیه ..... ۱۸۹

### فصل پنجم: علم قاضی

- مقدمه ..... ۱۹۲
- گفتار اول: تعریف علم و اقسام آن و اقوال فقها ..... ۱۹۳

۱۹۳	۱- تعریف علم.....
۱۹۳	۲- اقسام علم.....
۱۹۳	۲-۱- علم یقینی و علم عادی.....
۱۹۴	منظور از علم قاضی.....
۱۹۵	۲-۲- علم طریقی و علم موضوعی.....
۱۹۶	۲-۳- علم شخصی و علم نوعی.....
۱۹۶	طرق حصول علم.....
۲۰۴	<b>گفتار دوم: ادله قائلین به اعتبار علم قاضی.....</b>
۲۰۴	ادله قائلین به حجیت علم قاضی.....
۲۰۴	۱- آیات.....
۲۰۸	۲- روایات.....
۲۱۹	۳- اجماع.....
۲۲۰	۴- امر به معروف و نهی از منکر.....
۲۲۱	۵- دلیل عقلی.....
۲۲۳	<b>گفتار سوم: بررسی ادله مخالفان اعتبار علم قاضی.....</b>
۲۲۳	۱- دلیل ابن جنید بر عدم اعتبار علم قاضی.....
۲۲۳	نقد و ارزیابی.....
۲۲۴	۲- روایات.....
۲۳۱	رابطه نظر کارشناسی با علم قاضی.....
۲۳۱	جایگاه علم قاضی در مقام تعارض علم قاضی با کارشناس.....
۲۳۴	<b>خلاصه و نتیجه گیری.....</b>
۲۳۹	<b>فهرست منابع.....</b>



## طرح تحقیق

۱- بیان مسئله

۲- سؤال اصلی

۳- سؤال‌های فرعی

۴- سابقه و ضرورت انجام تحقیق

۵- فرضیه‌های تحقیق

۶- اهداف تحقیق

۷- جنبه جدید بودن و نو آوری تحقیق

۸- روش تحقیق

۹- روش و ابزار گرد آوری اطلاعات

۱۰- قلمرو تحقیق

۱۱- واژگان کلیدی



## طرح تحقیق

### ۱- بیان مسئله

ادله اثبات دعوی در امور مدنی از دیدگاه فقه، به عنوان یک حجت شرعی، مجموعه قواعد و وسایلی است که قاضی در مقام قضاوت می تواند وجود یا عدم وجود یک واقعه، صحت و سقم یک موضوع و یا حقی را اثبات کند.

بنابراین، در امور مدنی هرگونه دلیلی معتبر نیست، بلکه دلیلی اعتبار دارد که ارزش فقهی و حجیت شرعی و قضایی داشته باشد که انواع آن در کتب و متون فقهی و حقوقی مشخص شده اند، مانند: اقرار، بینه، قسم و علم قاضی.

### ۲- سؤال اصلی

با توجه به تعریف مسئله، سؤال اصلی موضوع تحقیق این است که: ادله اثبات دعوی در امور مدنی از دیدگاه فقه و حقوق افغانستان چیست؟

### ۳- سؤال های فرعی

با توجه تعریف مسئله و سؤال اصلی، می توان سؤال های زیر را به عنوان سؤال های فرعی تحقیق مطرح نمود:

۱- ادله چیست؟ دعوی چیست؟ امور مدنی چیست؟ شرایط استماع دعوی کدامند و مدعی و منکر کیست؟.

۲- اقرار در اثبات دعوی مدنی چیست و دلیل اعتبار آن کدام است.

۳- بینه در اثبات دعوی مدنی چیست و دلیل اعتبار آن کدام است؟

۴- حلف (قسم) در اثبات دعوی چیست و دلیل نفوذ آن کدام است؟

۵- علم قاضی در اثبات دعوی چیست و دلیل اعتبار آن کدام است؟

۶- در حقوق مدنی افغانستان در امور مدنی چه ادله ای بیان شده است

نکته: در پایان هر فصل راجع به ادله اثبات دعوی در حقوق مدنی افغانستان بحث خواهد شد.





#### ۴- سابقه و ضرورت انجام تحقیق

با مطالعه تاریخی در زمینه ادله اثبات دعوی، این نکته به دست می‌آید که استفاده از دلیل برای اثبات حق و اجرای عدالت در تمام مکاتب حقوقی مسلم بوده که در کمیت و کیفیت، تفاوت‌هایی داشته است. در حوزه حقوقی تحت عنوان ادله اثبات دعوی، کتاب‌های زیادی تدوین شده است. در حوزه فقهی نیز فقهای عظام در بحث قضا، به مسئله ادله اثبات دعوی پرداخته‌اند، مانند: اقرار، شهادت، قسم، علم قاضی؛ ولی منسجم و نظام یافته نمی‌باشند، لذا ضروری است که با مراجعه به متون فقهی و حقوقی، تحقیق و پژوهشی صورت بگیرد و به صورت مستقل و مجزا متناسب با شرایط زمانی و انسجام یافته، تدوین گردد.

#### ۵- فرضیه‌های تحقیق

- ۱- در متون فقهی فقهای عظام، اقرار، بینه، قسم و علم قاضی را به عنوان ادله اثبات دعوی پذیرفته و آنها را مورد بحث قرار داده‌اند.
- ۲- در حقوق افغانستان، اقرار، بینه و قسم به عنوان ادله اثبات دعوی پذیرفته شده‌اند.

#### ۶- اهداف تحقیق

- ۱- تبیین جایگاه اثبات دعوی در امور مدنی، از متون فقهی و حقوق افغانستان.
- ۲- ایجاد زمینه مناسب جهت انجام تحقیقات بیشتر در این زمینه و ارائه راهکارهای جدید جهت تعیین اعتبار و اهمیت ادله اثبات دعوی از دیدگاه فقه و حقوق افغانستان.
- ۳- ایجاد انسجام و هماهنگی بیشتر در بیان ادله اثبات دعوی و اجتناب از پرداختگی که در بیان فقهای عظام صورت گرفته است، به منظور دستیابی آسان‌تر به آنها.

#### ۷- جنبه جدید بودن و نوآوری تحقیق

از آنجا که سیستم قضایی جمهوری اسلامی ایران و افغانستان بر مبنای مکتب حیات‌بخش اسلام تشکیل یافته است، و کتابهایی که جهت اثبات دعوی در دادگاه‌های این دو کشور استفاده می‌شود، توسط حقوق‌دانانی که آشنایی با فقه اسلامی ندارند، تدوین گردیده‌اند، لذا لازم است که محققین و پژوهشگران حوزه‌های علمیه، مجموعه ادله اثبات دعوی را از متون فقهی جمع‌آوری، به صورت مستقل تنظیم و متناسب با نیازهای مراکز قضایی تدوین نمایند.

**۸- روش تحقیق**

از آنجا که هر تحقیق علمی باید با موضوع خود تناسب داشته باشد تا محقق به راحتی بتواند بحث را انجام داده و آن موضوع را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد؛ لذا با مراجعه به منابع فقهی و حقوقی، روش تحقیق توصیفی و تحلیلی است.

**۹- روش و ابزار گرد آوری اطلاعات**

از آنجای که بررسی ادله از لحاظ مفهومی و تئوری و کاربردی نیاز به بررسی نظریات مختلف دارند، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است؛ در طول تحقیق، ابتداء در موضوع مزبور، منابع مربوطه را شناسائی و فیش برداری نموده و سپس با جمع بندی مطالب و تجزیه و تحلیل آنها، مباحث مورد نظر تدوین گردیده است.

**۱۰- قلمرو تحقیق**

از لحاظ مکانی، تمام حوزه‌های پژوهشی را در قلمرو فقه و حقوق مدنی مربوط به موضوع را در بر می‌گیرد و از لحاظ زمانی تمام دوره‌های اجتهادی را در اسلام شامل است و از لحاظ موضوعی، فقهی و حقوقی است.

**۱۱- واژگان کلیدی**

واژگان کلیدی عبارتند از:

۱- ادله، ۲- اثبات، ۳- دعوی، ۴- امور مدنی، ۵- اقرار، ۶- بینه، ۷- قسم و...

# فصل اول: مفاهیم و کلیات

﴿ گفتار اول: مفاهیم

﴿ گفتار دوم: تشخیص مدعی و منکر

﴿ گفتار سوم: شرایط استماع دعوی



### مقدمه

امر اثبات در مرحله دادرسی از جایگاه بسیار مهمی در مقام قضا، برخوردار است؛ به همین دلیل در حدیث نبوی (ص) آمده است که: «اگر به مجرد ادعای مردم ترتیب اثر داده می‌شد، هر آینه مردمانی، خون و دارای یکدیگر را ادعا می‌کردند.»<sup>۱</sup>

هرچند در برخی موارد امر اثبات، خالی از عیب و اشکال نیست، جایی که کسی با دلایل ساختگی به ظاهر معتبر، زمینه را طوری فراهم کند که قاضی حکم به نفع او صادر کند؛ به همین دلیل در حدیث دیگر، پیامبر اکرم (ص) به کسانی که به باطل اقامه دعوی نمایند، چنین اخطار فرموده است: «شما برای احقاق حق نزد من می‌آیید، پس اگر در اثر این قبیل سخنان به نفع کسی حکم صادر نمایم و حقی را که از آن برادر او است، به او بسپارم، در حقیقت قطعه از آتش است که به او می‌دهم، پس او را اخذ ننمایید.»<sup>۲</sup>

با توجه به مطلب یاد شده، از یک طرف امر اثبات همراه با عیب است، از طرفی دیگر، نیاز به امر اثبات حق در دعوی، لازم و ضروری بوده و لذا فقهاء و حقوق دانان برای پرهیز از توسل اصحاب دعوی به دلایل ساختگی و دروغین، هر دلیلی را برای اثبات دعوی معتبر نمی‌دانند، بلکه دلایلی را می‌پذیرند که دارای ارزش حقیقی اثباتی باشند.

به همین دلیل، چه در فقه و چه در حقوق، دلایل اثباتی احصاء و مشخص شده‌اند تا اصحاب دعوی از تحصیل و ارائه دلایلی که فاقد ارزش قضایی هستند، اجتناب کنند و هنگام اقامه دعوی، از همان دلایل معتبر بر اساس ضوابط و شرایط خاص قانونی و شرعی استفاده کنند.

بنابراین، در این پژوهش که به صورت کتابخانه‌ای تهیه و تنظیم می‌شود، کوشش خواهد شد که اولاً ادله اثبات دعوی از دیدگاه فقه اسلامی مورد بررسی قرار گیرد؛ زیرا منبع حقوق ما، شریعت اسلامی است و جستجوی هر نوع پاسخی در مسایل حقوقی بدون مراجعه به منابع دینی و فقهی، بی‌پایه و اساس خواهد بود.

۱ - القشیری النیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، بیروت، دارالحکم، بی تا، ج ۵، ص ۱۲۸.

۲ - البیهقی، احمد بن الحسین، سنن الکبری، بیروت، دارالحکم، بی جا، ج ۱۰، ص ۱۴۴.